

Chapter Title: Foreword to the 2021 Edition

Chapter Author(s): Pedram Khosronejad

Book Title: At Home in Exile

Book Subtitle: A Memoir

Book Author(s): Helga M. Griffin

Published by: ANU Press. (2021)

Stable URL: <https://www.jstor.org/stable/j.ctv1h45mg3.4>

JSTOR is a not-for-profit service that helps scholars, researchers, and students discover, use, and build upon a wide range of content in a trusted digital archive. We use information technology and tools to increase productivity and facilitate new forms of scholarship. For more information about JSTOR, please contact support@jstor.org.

Your use of the JSTOR archive indicates your acceptance of the Terms & Conditions of Use, available at <https://about.jstor.org/terms>



This book is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives 4.0 International License (CC BY-NC-ND 4.0). To view a copy of this license, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>.



ANU Press is collaborating with JSTOR to digitize, preserve and extend access to *At Home in Exile*

Foreword to the 2021 Edition

After World War I, at the time of the period of the great depression in Europe and also of the national infrastructure development projects by Reza Shah (1878–1944), the King of Persia (1925–1941), between 1930 and 1941 many young and talented civilian Germans considered Persia as their land of opportunity. After moving there, they established a large expatriate community, settled down and became friends with Persian communities in cities, rural areas and also the territories of pastoral nomads. The majority of the civilian German expatriates of Persia came to the country as young, first-rate scholars, engineers, technicians, architects and trader-salesmen.

The British Government, and especially the prime minister, Winston Churchill (1874–1965), were against the residency of this specific group of civilian Germans in Persia, and since their arrival in the country put pressure on Reza Shah to expel them. Churchill strongly believed and propagated the fallacious theory that all civilian Germans were fifth columnists and secret members of the Gestapo who would help Hitler invade Asia and South Asia through Persia in the event of another world war conflict.

Under this excuse, and after the outbreak of World War II, in a joint intervention on 25 August 1941, the Russian and British armies invaded neutral Persia and captured the majority of the civilian Germans in the country. German women and children under the age of sixteen were brutally separated from their husbands and fathers and expelled by force to their countries of origin. The men, after a few weeks of interrogation in temporary military tented camps in Basra (Iraq), were transferred to the war internment camps of Australia where they spent the rest of their captivity until 1946.

There were six family groups including four children among those 494 civilian German internees of Persia who were brought to the Australian war internment camps. After the end of the war, many of the civilian German internees from Persia, including families and their children, were

granted leave to stay in Australia, while some of them were deported or repatriated to European countries, and a few of them decided to return to Iran, probably to continue their professional activities.

Until today there has been no academic contribution or public news regarding this specific group of civilian Germans of Persia and their lives before, during and after World War II.

Helga was six years old when she and her family were captured in Persia in 1941 and brought with other German families as prisoners of war to the Tatura war internment camp. Her family was released in 1946 and decided to stay in Australia.

Helga was born in Çankiri Village in Turkey on 27 June 1935 and moved to Persia with her family in early 1936 because her father was assigned to pioneer parts of the Trans-Iranian Railway system. During their sojourn in Iran, Helga's family became friends with many Persians and her parents adored the country and its people. But with the outbreak of World War II, like other civilian Germans of Persia, their beautiful life became a nightmare. They were captured by the British Army in their home in the west of Persia, and after weeks of interrogation sent to the Australian internment camps. This book, which comprises the memoirs of Helga since her childhood in Persia, her life experiences as a child prisoner in the Tatura internment camp in Australia and her life after the war, should be considered the only book written by one of the few survivors of the civilian Germans of Persia.

Beside her personal memories and hard life experiences, to write this book Helga used her superb talents in history and anthropology, two major fields that she admired during her academic education. Therefore, the reader should consider this book as an important contribution to the field of historical anthropology. For this reason, She checked her work for factual accuracy in local and international archives and spoke to a number of persons who had survived the war.

This book is a unique example of academic scholarship depicting one of the unknown human disasters and catastrophes of World War II, the life story of one of the thousands of innocent German civilians who escaped Hitler and moved to Persia to find a peaceful shelter for their family.

Pedram Khosronejad
Associate Professor
Western Sydney University
October 2020

با اتمام جنگ جهانی اول و طرح توسعه ایران توسط رضاشاه، مهندسان جوان آلمانی و سایر کشورهای آلمانی زبان همچوار که در دوران افسردگی بزرگ اروپای بعد از جنگ بسر می‌بردند برای یافتن شرایط کاری بهتر در سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ با خانواده خود به ایران مهاجرت کردند. این گروه از آلمانی‌های غیر نظامی مقیم ایران متخصصان متبحری در رشته‌های گوناگونی چون مهندسی ساختمان و عمران، مهندسی مکانیک و صنایع، مهندسی آب و خاک و یا متخصصان تجارت و اقتصاد بودند و در مناطق شهری، روستایی و عشایری کشور سکونت داشتند. این افراد به ایران و ایرانیان و نیز فرهنگ این سرزمین علاقه زیادی داشتند به طوری که در دوران اقامتشان در ایران دوستان و نزدیکان بسیاری پیدا کرده بودند.

دولت بریتانیا مخصوص وینستون چرچیل نخست وزیر وقت انگلستان، از حضور این گروه از آلمانی‌ها در ایران خشنود نبود و از هنگام ورود آنها به کشور، تلاش کرد تا فشار مضاعفی را بر رضاشاه وارد کند تا از این طریق آلمانی‌های مقیم را از ایران خارج کند. اعتقاد چرچیل بر این بوده است که این دسته از آلمانی‌ها، ماموران مخفی و ستون پنجم هیتلر و آلمان نازی در ایران هستند و در صورت وقوع جنگی دیگر این افراد به آلمان کمک خواهند کرد تا ایران را اشغال کرده و از طریق مرز پاکستان به هند و سایر کشورهای آسیای جنوبی حمله کنند.

پس از شروع جنگ جهانی اول، در سال ۱۳۲۰، دولت روسیه و انگلیس به بهانه حفظ بیطرفی ایران و دفاع از ایران در قبال حمله احتمالی آلمان، دست به اشغال ایران زدند و سریعاً آلمانی‌های غیر نظامی ایران را بازداشت کردند. زنان و فرزندان با سن کمتر از ۱۶ سال به آلمان فرستاده شدند و مردان مجرد پس از چندین هفته بازجویی به بازداشتگاه‌های جنگی استرالیا انتقال داده شدند. در بین بازداشت شدگان آلمانی‌های مقیم ایران که به زندان‌های استرالیا انتقال داده شدند، هشت زندانی به همراهی همسر و فرزندانشان به این کشور آمدند. همه این زندانیان آلمانی بازداشت شده در ایران در بین سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۵ در زندان‌های جنگی استرالیا عمر خود را سپری کردند و بعد از جنگ بسیاری از آنها تصمیم گرفتند که در استرالیا بمانند و تعداد اندکی نیز به آلمان برگشتند و تعدادی نیز برای ادامه فعالیت خود به ایران بازگشتند.

تا به امروز هیچگونه تحقیق علمی و یا گزارش خبری از زندگی و شرح حال آلمانی‌های مقیم ایران در بین دو جنگ جهانی اول و دوم و سرنوشت این افراد، همسر و فرزندان‌شان در دوران جنگ و بعد از آن صورت نگرفته است.

هنگام گرشیک گریفن شش ساله، یکی از چهار بچه اسیر شده شش خانواده آلمانی ایران است که به همراه والدین، برادرش پیتر و ۴۹۴ اسیر آلمانی مقیم ایران در ۲۸ آبان ۱۳۲۰ شمسی به بازداشتگاه‌های جنگی استرالیا انتقال داده شد و تا سال ۱۳۲۵ در اسارت باقی ماند.

هنگام در پنجم تیرماه ۱۳۱۴ در ترکیه متولد شد و در سال ۱۳۱۵ برای پروژه جدید کاری پدرش که در رابطه با طرح توسعه راه آهن ایران بود به همراه خانواده‌اش عازم تهران شد. هنگام و خانواده‌اش در طی اقامتشان در ایران زندگی شاد و سرشار از آسایش را تجربه و دوستان و آشنایان زیادی پیدا کرده بودند. ولی با شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط روسیه و انگلیس زندگی و سرنوشت هنگام و خانواده‌اش نیز تغییری بنیادین کرد. پس از اسارت در خاک ایران توسط ارتش

مهاجم انگلیس، جدایی از پدر و اسارت چند هفته‌ای در یک کمپ صحرایی در بصره کشور عراق، هلگا و خانواده‌اش به همراهی سایر اسرای آلمانی ایران به زندان‌های جنگی استرالیا انتقال یافتند و تا پایان جنگ در اسارت باقی ماندند.

کتاب حاضر که شامل خاطرات هلگا از زمان کودکی وی در ایران، تجربیات و مشاهدات او از دوران اسارت در کمپ‌های جنگی استرالیا، و همچنین سال‌های پس از جنگ است، تنها کتاب معتبر و موجود است که توسط یکی از تنها بازماندگان آلمانی‌های مقیم ایران نگاشته شده است.

هلگا در نوشتن این کتاب در کنار بهره بردن از خاطرات و تجربیات شخصی، از آموخته‌هایی که به صورت آکادمیک در زمینه مطالعات تاریخی و انسانشناسی داشته، استفاده کرده و همین امر اثر او را از یک رمان به یک پروژه کاملاً علمی تبدیل کرده است. هلگا برای نوشتن این کتاب در طی سالیان متوالی در آرشیوهای استرالیا و سایر کشورهای دنیا به دنبال اسناد و مدارک مربوطه گشته و همچنین ساعت‌های متمادی به مصاحبه با محققان، بازماندگان جنگ جهانی دوم و اسرای کمپ‌های جنگی پرداخته است.

کتاب حاضر یکی از منحصر بفردترین کتاب‌های دانشگاهی است که به یکی از ناشناخته‌ترین فجایع انسانی جنگ جهانی دوم می‌پردازد و سرنوشت هزاران نفر از آلمانی‌های بیگناه را که از ترس هیتلر و برای آسایش و امنیت خود و خانواده‌شان به ایران مهاجرت کرده بودند را بازخوانی می‌کند و به این مهم می‌پردازد که این افراد چگونه طعمه سیاست بازی‌های غیر انسانی چرچیل قرار گرفتند و سیر زندگی و سرنوشتشان به یکباره تغییر کرد.

پروفیسور پدram خسروزاد

۱۰ آبان‌ماه ۱۳۹۹ سیدنی، استرالیا